

سکوت در برابر مسئولیت!

مسئولیت در برابر سکوت!

خطبه منای امام حسین علیه السلام با ترجمه حسن رحیم پور

سخنران: حسین پسر علی

مکان: منا

زمان: ذی حجه سال ۶۰ هجری (یک سال قبل از عاشورا)

حظزار: ۲۰۰ صحابی پیامبر ۵۰۰ نفر از تابعین و صدها تن از آگاهان امت

مخاطب: همه ی تاریخ (شاید ما باشیم! به شرط اینکه به قیامت ایمان داشته باشیم!)

بسم الله الرحمن الرحيم

اعتبروا ايها الناس بما وعظ الله به اوليا من سو ثنائته على الاخبار اذ يقول : « لو لا ينهيهم الربانيون و الاخبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت » و قال : « لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داوود و عيسى ابن مريم ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون ، كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون »

*ای مردم، بزرگان عبرت بگیرید از موعظهای که خداوند به دوستان خود در قرآن میفرماید اگر شما خود را اولیای خدا میدانید، و اگر دیندارید و مخاطب قرآن هستید پس بیتفاوت ننماید و احساس تکلیف کنید! آیا ندیده اید که خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آنها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت بی‌عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ و نیز فرمود: «نفرین بر کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند. آنها که امر به معروف و نهی از منکر نکردند، و چه بد عمل کردند.»

و انا عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمه الذين بين اظهريهم المنكر و الفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبة فيما كانوا ينالون منهم و رهبة مما يحذرون والله يقولك « فلا تخشوا الناس و اخشون » و قال : « المومنون و المومنات بعضهم اوليا بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر » فبدالله بالامر بالمعروف و النهي عن المنكر فريضة منه لعلمه بانها اذا اديت و اقيمت استقامت الفرائض كلها هينها و صعبها و ذلك ان الامر بالمعروف و النهي عن المنكر دعاه الى الاسلام مع رد المظالم و مخالفه الظالم و قسمه الفبي و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها في حقها

* خداوند علمای مسیحی، یهودی و روحانیون و آگاهان ادیان قبل را نکوهش کرد زیرا ستمگرانی جلوی چشم آنها

فساد میکردند و اینان میدیدند و سکوت میکردند و دم برنمی‌آوردند. خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی‌عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه‌ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماستمالی میکنید و رد میشوید؟ چرا سکوت کرده‌اید؟ علت آن این است که عده‌ای از شما میخواهید که سبیلتان را چرب کنند و و عده‌ای از شما هم میترسید که سبیلتان را دود بدهند. عده‌ای طمع سرفه دارید و سرفه‌ی چرب میخواهید تا بخورید و میگویید که چرا خودمان را به زحمت بیندازیم و با نهی از منکر و انتقاد و اعتراض ریسک کنیم؟ فعلا که بساطمان رو به راه است و عده‌ای از شما نیز میترسید. اما مگر در قرآن نمیخوانید که فرمود از مردم ترسید از حاکمان و صاحبان قدرت و ثروت نیز ترسید از من بترسید! آیا شما یا آیه را ندیده‌اید؟ آیا سوره‌ی توبه را نخوانده‌اید که میگوید زنان و مردان مومن نسبت به یکدیگر ولایت اجتماعی دارند و حق دارند در کار یکدیگر دخالت نکنند. به این اندازه که یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند. خداوند این حق و اجازه را داده است که شما نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشید بلکه حساس باشید. اگر همین یک اصل امر به معروف و نهی از منکر یعنی نظارت دائمی و انتقاد و اعتراض و تشویق به خیرات و عدالت و مبارزه در برابر ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض اجرا بشود بقیه‌ی فرائض، تکالیف الهی نیز اجرا می‌شود همین یک حکم را شما عمل نکنید! نترسید! دنبال دنیا نباشید! سورچران نباشید! اما هیئات که شما اهل همین یک تکلیف هم نیستید. ولی من هستم. امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام و دین است منتها دعوت زبانی تنها نه که ای مردم بیایید و مسلمان شوید! اسلام خوب است و به بعضی شبهاتتان پاسخ بدهیم و تمام. اما نهی از منکر با رد مظالم، جبران همه‌ی بی‌عدالتی‌هایی که میشود و شده است. و نه صرفا گفتن اینکه عدالت خوب است و ظلم بد است. یعنی در برابر ظلم و ستمهایی که شده، ایستادن و آنها را عقب زدن و جبران بی‌عدالتی‌ها، وظیفه‌ی عملی شماست. باید درگیر شوید و با ستمگران، چشم در چشم بایستید و بگویید: نه! باید انتقاد و اعتراض کنید و بقیه‌شان را بگیرید. تقسیم عادلانه بیت المال و اموال عمومی و توزیع عادلانه ثروت حکم خداست. گرفتن مالیات از ثروتمندان و هزینه کردن آن به نفع فقرا ادامه همان تکلیف است. شما گروهی که به آدمهای خوب مشهورید و عالمان دین خوانده میشوید، به خاطر خداست که در نزد مردم هیبت دارید و هم بزرگان و هم ضعفا از شما حساب می‌برند.

ثم اتمم ایتها العصابه عصابه بالعلم مشهوره و بالخیر مذکوره و بالنصیحه معروفه و بالله فی انفس الناس مهابه . یها بکم الشریف و یکرکم الضعیف و یوثرکم من لا فضل لکم علیه و لاید لکم عنده , تشفعون فی الحوائج اذا امتعت من طلابها و تمشون فی الطریق بهیبه الملوک و کرامه الاکابر. الیس کل ذلک انما نلتموه بما یرجى عندکم من القیام بحق الله و ان کنتم عن اکثر حقه تقصرون فاستخفتم بحق الائمة

* شما به نام دین از شما حساب می‌برند و و احترام می‌گذرند و شما را بر خودشان ترجیح می‌دهند. در حالی که هیچ فضیلتی بر آنها ندارند. و هیچ خدمتی به این مردم نکرده‌اید. و مردم مجانی برای شما احترام قائل اند. و شفاعت شما را می‌پذیرند. شما به نام دین است که اعتبار و نفوذ کلمه دارید. در خیابان‌ها مثل شاهان نام می‌برید. و با هیبت و کیکبه رفتار می‌کنید. به راستی چگونه به این احترام و اعتبار اجتماعی رسیده‌اید. فقط به این علت که مردم از شما توقع دارند که به حق خدا قیام کنید. اما شما در اغلب موارد از انجام وظیفه و احقاق حق الهی کوتاهی کرده‌اید و حق رهبران الهی را کوچک شمرده‌اید.

فاما حق الضعفا فضیعتهم و اما حقمکم بزعمکم فطلبتهم . فلا ما لا بذلتموه و لا نفسا خاطرتم بهالذی خلقها و لا عشیره عادیتموها فی ذات الله اتمم تتمنون علی الله جنته و مجاوره رسله و امانا من عذابه .

لقد خشيت عليكم ايها المتمنون على الله ان تحل بكم نقمه من نعماته لانكم بلغت من كرامه الله منزله فضلتم بها و من يعرف بالله لا تكرمون و انتم بالله في عباده تكرمون و قد ترون عهدوا لله منقوضه فلا تفزعون و انتم لبعض ذمم ابا نكم تفزعون و ذمه رسول الله صلى الله عليه و اله محفوره و العمى والبكم والزمنى فى المدائن مهمله لا ترحمون و لا فى منزلتكم و لا من عمل فيها تعينون و بالادهان و المصانعه عند الظلمه تامنون , كل ذلك مما امركم الله به من النهى و التناهى و انتم عنه غافلون . و انتم اعظم الناس مصيبه لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون .

* حق مستضعفان و طبقات محروم جامعه را تضييع کرده ايد. شما نسبت به حق ضعفا و محرومين کوتاه آمده ايد. اين حقوق را ناپايدۀ گرفته ايد و سكوت کرده ايد اما هر چيز كه فكر ميكرديد حق خودتان است مطالبه كرديد. شما هر جا حق ضعفا و مستضعفين بود کوتاه آمديد و گفتيد ان شاء الله خدا در آخرت جبران ميکند اما هر جا منافع خودتان بود ان را به شدت مطالبه كرديد و محکم ايستاديد. شما نه مالی در راه خدا بذل كرديد و نه جانتان را در راه ارزشها و عدالت به خطر انداختيد و نه حاضر شديد با قوم و خویش ها و دوستانتان به خاطر خدا و اجراء عدالت و اسلام درگير بشويد. با همۀ اين کوتاهی‌ها از خدا بهشت را هم ميخواهيد؟ پس از همۀ اين عافيت طلبی‌ها و دنيا پرستی‌ها منتظرید كه در بهشت همسایه‌ی پيامبران او باشيد! در حالی كه من ميترسم خداوند در همين روزها از شما انتقام بگيرد. خداوند از شما انتقام خواهد گرفت. مقام شما از كرامات خداست. دستاورد خودتان نيست. شما مردان الهی و مجاهدان و عدالت خواهان را اكرام و احترام نميكنيد و تكليف شناسان را قدر نميدهيد. حال آنكه به نام خدا در ميان مردم محترميد. ميبينيد كه پيمانهای خدا در اين جامعه نقض ميشود و آرام نشسته ايد و فرياد نميزنيد اما همين كه به يكي از ميثاقهای پدرانان بي حرمتي شود داد و بيداد به راه مياندازيد. ميثاق خدا و پيامبر خدا زير پا گذاشته شده، شما آراميد، سكوت کرده و آن را توجيه ميكنيد. حال ميثاق پيامبر در اين جامعه تحقير شده است؛ لاله‌ها، زمينگيران، كوران، فقرا و بيچاره‌ها در سرزمينهای اسلامي بر روی زمين رها شده اند و بيپناهند و كسي به اينها رحم نميکند. شما به اين وظیفه‌ی دينی و الهی‌تان عمل نميكنيد و كسي مثل من هم كه ميخواهد عمل كند، كمكش نميكنيد. ميثاق خدا اين است كه بيچاره‌ها و زمينگيرها نبايد در شهرها گرسنه بمانند و كسي به دادشان نرسد. اين ميثاق خداست و شما خيانت کرده ايد. شما مدام به دنبال ماستمالي و مسامحه؛ يعنی سازش با حاكميت هستيد تا خودتان امنيت داشته باشيد، ولی امنيت و حقوق مردم براي‌تان مهم نيست. فقط امنيت و منافع خودتان براي‌تان مهم است. همه‌ی اينها محرمات الهی بود كه می‌بايست ترك ميكرديد و نكرديد.

ذلك بان مجارى الامور والاحكام على ايدى العلمات بالله الامنا على حلاله و حرامه فانتم المسلوبون تلك المنزله و ما سلبتم ذلك الا بتفرقكم عن الحق واختلافكم فى السنه بعد البينه الواضحه . و لو صبرتم على الاذى و تحملتكم الموهونه فى ذات الله كانت امور الله عليكم ترد و عنكم تصدر و اليكم ترجع و لكنكم مكنتم الظلمه من منزلتكم واستسلمتم امور الله فى ايديهم يعملون بالشبهات و يسيرون فى الشهوات . سلطهم على ذلك فراركم من الموت و اعجابكم بالحياه التى هي مفارقتكم , فاسلمتم الضعفا فى ايديهم فمن بين مستعبد مقهور و بين مستضعف على معيشته مغلوب , يتقلبون فى الملك بارائهم و يستشعرون الخزي باهوائهم اقتدا بالاشرار و جراه على الجبار , فى كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع , فالارض لهم شاغره و ايديهم فيها مبسوطه و الناس لهم حول لا يدفعون يد لاس , فمن بين جبار عنيد و ذى سطوه على الضعفه شديد , مطاع لا يعرف المبدى المعيد فياعجبا و مالى اعجب و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل [لا] على

المومنین بهم غیر رحیم . فالله الحاکم فیما فیہ تنازعنا والقاضی بحکمہ فیما شجر بیننا.

* شما میبایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر میکردید و نکردید، و مصیبتتان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده‌ی اسلام میدانستند. مجرای حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باید به دست علمای الهی باشد که امین بر حلال و حرام خداوند هستند، اما شما کاری کردید که این مقام را از آنها گرفتند و موفق شدند حکومت را منحرف کنند، زیرا شما زیر پرچم حق متحد نشدید و پراکنده و متفرق شدید و در سنت الهی اختلاف کردید با این که همه چیز روشن بود. اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی‌عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آنکه آنان به شبهات عمل میکنند و طبق شهوات خود حکومت میکنند و دین را از حکومت تفکیک کردند. فرار شما از مرگ، اینان را بر جامعه مسلط کردند، شما به زندگی دنیایی چسبیده‌اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید. اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عاقبت میمیرد. آیا گمان میکنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده میمانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت میمیرید. شما از دنیا دست بر نمی‌دارید، اما دنیا از شما دست بر میدارد. پس ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را در خطر بیندازید و از حیثیتان در راه دین و ارزشها مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعفا و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده‌اید. گروههایی از مردم برده‌ی اینان شده اند و مثل برده‌های مقهور و شکست خورده، زیر دست و پای آنان له میشوند. عده‌ای نان شبشان را نمیتوانند تهیه کنند. در هر شهری عده‌ای را گماشته‌اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمیتوانند دستی را که به ستمشان می‌آید تا به آنها زور بگویند، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه‌ی این صحنه‌ها را میدیدید و کاری نمیکردید. اینان عده‌ای ستمگر و صاحبان قدرت‌اند که علیه ضعفا و محرومین بسیار خشن عمل میکنند و به روش غیر اسلامی حکومت میکنند و متاسفانه بی‌چون و چرا هم اطاعت میشوند. در حالی که نه خدا را میشناسند و نه آخرت را قبول دارند. تعجب میکنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و پهن است، عده‌ای باج بگیر حکم میرانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عاطفه و انسانیت و مهربانی نبرده اند و شما هم باز ساکتید.

اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منّا تنافسا فی سلطان و لا التماسا من فضول الحطام و لکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یامن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سننک و احکامک . فان لم تتصرونا و تنصفونا قوی الظلمه علیکم و عملوا فی اطفا نور نبیکم . و حسبناالله و علیه توکلنا و الیه انبنا و الیه المصیر

* خدایا تو میدانی که قیام ما له زدن برای سلطنت، تنافس در قدرت و گدایی دنیا و شهرت نیست، بلکه تنها برای برپاکردن نشانه‌های دین تو قیام کردیم. این علامتهای راهنمایی و تابلوهای راه را انداخته اند و من میخواهم دوباره این تابلوها را برپاکنم. قیام برای این است که مردم گیج و گمراه شده‌اند و باید آگاه شوند و باید خونمان را به صورت این خواب زده‌ها بپاشیم تا بیدار شوند.